

نقش هنر سازه‌های بدیعی در تعجب‌برانگیزی مخاطب در سوره‌های

مکی با تکیه بر نقد فرمالیسم روسی

(مطالعه موردی: سوره‌های «بروج» و «غاشیه»)

حسین ابویسانی^۱، الیاس مخمی^{۲*}

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

چکیده

هنر سازه‌های ادبی از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه نقد ادبی، به‌ویژه علم بلاغت هستند که فرمالیست‌های روس نیز به آنها توجه زیادی داشته‌اند. لفظ «هنر سازه» به مجموعه فنون بلاغی اطلاق می‌شود که در عربی با اصطلاح «الفنون الأدبیه» شناخته می‌شود و در مطالعات فرمالیسم به جای "priem" روسی و "device" انگلیسی به کار می‌رود. این مقاله با رویکرد فرمالیسم روسی نوشته شده است. صورت‌گرایان روس معتقدند هنر در مرتبه نخست، موضوع سبک و تکنیک است؛ تکنیک علاوه بر اینکه شیوه است، موضوع هنر نیز هست؛ بنابراین «آنچه» نویسنده می‌گوید مهم نیست، بلکه اینکه «چگونه» می‌گوید اهمیت دارد. همچنین آنچه صورت‌گرایان روس در ادبیات و هنر قابل مطالعه و بررسی می‌دانند، فقط حوزه هنر سازه‌هاست و نه چیز دیگر.

در این مقاله سعی شده است میزان مفید یا غیرمفید بودن هنر سازه‌ها در دو سوره «بروج» و «غاشیه» بررسی شود، سپس با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بیان نقش این هنر سازه‌های بدیعی در تعجب‌برانگیزی مخاطب، با تکیه بر مقولات چهارگانه فرمالیسم روسی پرداخته شود.

مهم‌ترین نتیجه مقاله نشان می‌دهد بیشترین هنر سازه‌های به‌کاررفته در دو سوره یادشده، از نوع مفید هستند که با توجه به ویژگی‌های آنها، در حوزه‌های چهارگانه فرمالیسم روسی یعنی:

ادبیت، فرم، جادوی مجاورت، و ساختار ساختارها، به شکل شگفت‌انگیزی نمایان می‌شوند و در نتیجه باعث جذب و تعجب‌برانگیزی شنونده و خواننده می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: فرمالیسم روسی؛ هنر سازه‌های بدیعی؛ سوره‌های مکی؛ بروج؛ غاشیه.

۱. مقدمه

هنر سازه‌های ادبی یا به عبارتی صنایع ادبی از جمله مباحثی است که در علم بلاغت مورد بحث قرار گرفته و در قرن اخیر نیز در حوزه نقد ادبی فرمالیست‌های روسی توجه زیادی به آن کرده‌اند. واژه «هنر سازه» برگردان priem روسی و device انگلیسی است که در حقیقت همان صنایع بدیعی و اصطلاحات فنون بلاغی، از جمله: استعاره، کنایه، تشبیه، ایجاز، جناس، و به‌طور کلی مباحث مطرح در حوزه معانی، بیان، و بدیع است که همگی آنها ماهیتی زبان‌شناسیک دارند (کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۴۹).

برخلاف نظر متقدمان که اثر ادبی را بازتاب حقیقت زندگی صاحب اثر می‌دانستند، فرمالیست‌ها مدعی بودند که متن ادبی هیچ ارتباطی با زندگی نویسنده آن ندارد، تا جایی که رامان سلدن می‌گفت: «مؤلف مرده است و سخن ادبی بازگوکننده حقیقت نیست» (سپه‌وندی، ۱۳۹۱: ۵۶).

تکنیک‌های زیبای ادبی و ساختارهای گوناگون زبانی و موسیقایی به‌کاررفته در قرآن کریم آن‌چنان مسحورکننده و شگفت‌آور است که هر زمان می‌توان از زاویه‌ای متفاوت به آن نگریست و اندکی از شگفتی‌های آن بهره‌مند شد (ناظمیان، ۱۳۹۲: ۹۷). در این مقاله بر اساس تقسیم‌بندی دکتر شفیع کدکنی، هنر سازه‌های مفید (آنها که مایه افزایش موسیقی کلام و تداعی «موسیقی معنوی» می‌شوند) در کنار هنر سازه‌های غیر مفید (آنها که هیچ‌کدام از دو فایده موسیقی و تداعی را ندارند) در دو سوره مکی «بروج» و «غاشیه» بررسی و تحلیل شده‌اند تا مشخص شود بر اساس مقوله‌های چهارگانه فرمالیست‌های روسی کدام یک از هنر سازه‌ها در زیبا نشان دادن سوره‌ها و تعجب‌برانگیزی مخاطب به هنگام خواندن و یا شنیدن آنها بیشترین نقش را بر عهده داشته‌است.

۱-۱. سؤالات پژوهش

۱. چه میزان از هنر سازه‌های بدیعی به‌کاررفته در سوره‌های بروج و غاشیه، به هنر سازه‌های مفید و چه میزان به هنر سازه‌های غیر مفید تعلق دارد؟
۲. چه عواملی باعث شده که این نوع از هنر سازه‌های بدیعی منجر به تعجب‌برانگیزی خواننده شوند و این هدف تا چه اندازه محقق شده‌است؟

۱-۲. فرضیات پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بیشترین هنر سازه‌های به‌کاررفته در این دو سوره از نوع هنر سازه‌های مفید است و هنر سازه‌های غیر مفید بسیار کم‌ترند.
۲. می‌توان گفت عواملی چون: فرم، ادبیت، جادوی مجاورت و ساختار ساختارها، در تأثیر گذاری و تعجب‌برانگیزی مخاطب، تا حد زیادی مؤثر و موفق بوده‌است.

۲. پیشینه پژوهش

- بر اساس جست‌وجوهای انجام‌گرفته، تاکنون موضوع این مقاله در قالب پژوهشی مستقل بحث و بررسی نشده‌است، اما آن دسته از پژوهش‌هایی که در زمینه بررسی آیات قرآن کریم بر مبنای نظریه‌های فرمالیستی و ساختارگرایی صورت گرفته بدین شرح است:
۱. پایان‌نامه آیات قیامت از منظر نظریه‌های ساختارگرایی با تأکید بر سوره الحاقه از الهام عارفی‌پور که در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه الزهرا از آن دفاع شده‌است.
 ۲. مقاله «پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره مبارکه تکویر» از هومن ناظمیان که در مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۲ به چاپ رسیده‌است.

۳. ادبیات نظری

۳-۱. تعریف هنر سازه

دکتر شفیعی کدکنی در تعریف هنر سازه می‌گوید: «با اینکه ما در فرهنگ خودمان مفاهیم و اصطلاحات بسیاری در حوزه علوم بلاغی داریم اما کلمه‌ای که بتواند تمام شگردها و ابزارهای

هنری شاعر و نویسنده را زیر چتر خود بگیرد نداریم؛ به همین دلیل در برابر priem روسی و device انگلیسی، «هنر سازه» را به کار می‌بریم» (کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

۳-۲. هنر سازه‌های بدیعی و انواع آن

دکتر شفیع کدکنی در آخرین مبحث از کتاب *رستاخیز کلمات* با عنوان «جلوه‌های خلاق در بدیع فارسی» هنر سازه‌های بدیعی را به دو دسته «مفید» و «غیر مفید» تقسیم می‌کند و می‌نویسد: «اصولاً هر نوع زیبایی در سخن از دو سرچشمه جاری است: یکی آنچه مربوط به موسیقی کلمات است، و دیگری آنچه مربوط به نیروی تداعی است و این را هم می‌توان موسیقی معنوی خواند. در حقیقت می‌توان هر دو نوع لذت را به لذت موسیقایی بازگرداند که شامل این موارد است: ۱) موسیقی اصوات (جناس و...؛ ۲) موسیقی معنوی (مراعات نظیر، ایهام و... که احساس توازن را ایجاد می‌کند). بنابراین و بر اساس همین دو اصل است که می‌توانیم بسیاری از آن صنایع دویست گانه قدام را بی‌فایده بدانیم» (همان: ۴۴۷-۴۴۵).

۳-۲-۱. هنر سازه‌های مفید

این بخش دو قسمت دارد: الف) آنهایی که مایه افزایش موسیقی کلام می‌شوند؛ ب) آنهایی که مایه تداعی‌ها (موسیقی معنوی) می‌شوند. اینک نظری به آنها می‌افکنیم:

۳-۲-۱-۱. هنر سازه‌هایی که به موسیقی کلام یاری می‌دهند

هر اثر ادبی، در حد متعالی، بخشی از زیبایی و تأثیرش را از موسیقی نهفته در آن به وام می‌گیرد. هنر سازه‌هایی که این ویژگی‌ها را دارند عبارتند از: صنعت تسجیع، صنعت ترصیع، صنعت تجنیس^(۱) و صنعت لزوم مالایلم یا اعنات (همان: ۴۵۰-۴۴۷).

۳-۲-۱-۲. هنر سازه‌هایی که زیبایی آنها از رهگذر تداعی (موسیقی معنوی) است

در میان صنایع بدیعی، تعدادی سبب تداعی هستند و ذهن از نفس تداعی لذت می‌برد؛ یعنی آن دسته از زنجیره‌های معنوی که در یک اثر ادبی به صورت نامرئی به هم پیوند می‌خورند، و به میزان پیوندی که با مسئله تداعی دارند می‌توان به ارزیابی آنها پرداخت. این صنایع عبارتند از: ایهام^(۲)، مطابقه^(۳)، مراعات نظیر^(۴)، التفات^(۵)، و تلمیح (همان: ۴۵۲-۴۴۳).

۲-۳. هنر سازه‌های غیر مفید

دکتر شفیعی کدکنی در این باره در کتاب *موسیقی شعر* چنین می‌گوید: «آنچه از صنایع بدیعی دویست و بیست‌گانه باقی می‌ماند به دو گروه قابل تقسیم است: یا صورت‌هایی از همین صنایع است که به هر حال می‌تواند برخوردار از نوعی موسیقی صوتی یا معنوی باشد و تعدد نام‌ها مشکلی را نمی‌گشاید؛ یا از مقوله موسیقی صوتی و معنوی نیست و این‌گونه صنایع را جز دیوانگی و جنون و حماقت عاملی دیگر نمی‌تواند توجیه کند مگر عامل بیکاری و تنبلی ذهنی و غفلت از فلسفه وجودی ادبیات و نقش خلاقیت در هنرها» (کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۱۳-۳۱۲).

بنابراین، آن دسته از این هنر سازه‌ها را که هیچ‌کدام از دو فایده موسیقی و تداعی را ندارند و جز سد راه سادگی و صمیمیت بیان، چیز دیگری نیستند، هنر سازه‌های غیر مفید گویند. از جمله این صنایع که حاصل بی‌حاصلی و تفنن قدماست، «لف و نشر مرتب و مشوش»، «رقتا» (شعر بی نقطه)، «جمع، تفریق، تقسیم»، و «ماده تاریخ» است. برخی صنایع از قبیل «حسن مطلع» یا «حسن مقطع» نیز وجود دارد که اصلاً طرح آنها بیهوده است (کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۵۶-۴۴۷).

۴. تطبیق پژوهش بر هنر سازه‌ها

۴-۱. انواع هنر سازه‌های بدیعی در دو سوره «بروج» و «غاشیه»

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، تعداد هنر سازه‌های بدیعی به ۲۲۰ مورد می‌رسد که از این تعداد فقط موارد انگشت‌شماری را می‌توان بر شمرد که زیبایی سخن از آنها سرچشمه می‌گیرد. در ادامه طی جدول‌هایی (که مربوط به محسنات لفظی و محسنات معنوی است)، به ترتیب با هنر سازه‌های به‌کاررفته در سوره‌های بروج و غاشیه آشنا خواهیم شد و در نهایت به تقسیم‌بندی آنها به دو قسمت هنر سازه‌های مفید و غیر مفید خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱. سوره غاشیه

محسنات لفظی «سوره غاشیه»

عدد	هنر سازه	نوع هنر سازه	آیات	کلمات دارای هنر سازه و توضیح آنها	مفید و غیر مفید
۱	سجع	متوازن	۱، ۲، ۳، ۴	الغاشیة، خاشعة، ناصبة، حامية	مفید
۲	سجع	متوازی	۴، ۵	حامية و ءانية	مفید

مفید	حامیه و ءانیه	۵، ۴		لزوم مالایزم	۳
مفید	تکرار هجای «دَ» در فواصل آیات	۱ الی ۵		تکرار	۴
مفید	لا یسمن و لا یغنی	۷	متوازن	سجع	۵
مفید	حامیه و ءانیه	۵، ۴	متوازی	سجع	۶
مفید	لا یسمن و لا یغنی	۷	متوازن	سجع	۷
مفید	ناعمة و راضیه	۹، ۸	متوازن	سجع	۸
مفید	راضیه، عالیة، لایغیه، جاریة	۱۱، ۱۰، ۹، ۱۲	متوازی	سجع	۹
مفید	مرفوعة و موضوعة	۱۴، ۱۳	متوازی	سجع	۱۰
مفید	مرفوعة و موضوعة	۱۴، ۱۳		لزوم مالایزم	۱۱
مفید	مرفوعة، مصفوفة، مبنوثة	۱۶، ۱۵، ۱۳	متوازن	سجع	۱۲
مفید	تکرار هجای «دَ» در فواصل آیات	۸ الی ۱۶		تکرار	۱۳
مفید	این دو آیه هموزن یکدیگرند	۱۹ و ۱۵		موازنة	۱۴
مفید	این دو آیه هموزن یکدیگرند	۱۹، ۱۸		موازنة	۱۵
مفید	خلقت، رفعت، نصبت، سطحت	۲۰ الی ۱۷	متوازن	سجع	۱۶
مفید	تکرار هجای «دَ» در فواصل آیات	۲۰ الی ۱۷		تکرار	۱۷
مفید	السماء و الجبال	۱۹، ۱۸	متوازن	سجع	۱۸
مفید	ذکر و مذکر	۲۱	اشتقاق	جناس	۱۹
مفید	ذکر و مذکر	۲۱		رد العجز علی الصدر	۲۰
مفید	ذکر و مذکر	۲۱	مطرف	سجع	۲۱
مفید	مصیطر، کفر، أكبر	۲۴، ۲۳، ۲۲	مطرف	سجع	۲۲
مفید	یعدبُهُ، العذاب	۲۴	اشتقاق	جناس	۲۳
مفید	إلینا و علینا	۲۶، ۲۵	مضارع	جناس	۲۴
مفید	دو آیه در وزن و روی برابرند	۲۶، ۲۵		ترصیع	۲۵
مفید	إیاجم و حساجم	۲۶، ۲۵	متوازی	سجع	۲۶
مفید	إیاجم و حساجم	۲۶، ۲۵		لزوم مالایزم	۲۷
مفید	إلینا و علینا	۲۶، ۲۵	متوازی	سجع	۲۸
غیر مفید	سلامت لفظ و سهولت معناست که در بیشتر آیات به چشم می خورد.			الإنسجام والسهولة	۲۹

محسنات معنوی «سورة غاشیه»

مفید و غیر مفید	کلمات دارای هنر سازه و توضیح آنها	آیات	نوع هنر سازه	هنر سازه	عدد
غیر مفید	هل أتاک حدیث الغاشیه؟	۱	برای توییح	تجاهل العارف	۱
مفید	روی سخن از مخاطب به غایب تغییر کرده است	۲، ۱		التفات	۲
مفید	خاشعة (حوار و دلیل)، ناعمة (دارای نعمت و لذت)	۸، ۲	ایجاب	طباق	۳

نقش هنر سازه‌های بدیعی در تعجب‌برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکی ... حسین ابویسانی، الیاس مخمی

مفید	تسقی، عین، طعام، ضریع	۶، ۵		مراعات نظیر	۴
غیرمفید	تجرید ضریع (از طعام)	۶		تجرید	۵
غیرمفید	لیس لهم طعاماً إلا من ضریع	۶		تأکید الذم بمایثبه المدح	۶
مفید	لایسمن، لایغنی، جوع	۷		مراعات نظیر	۷
غیرمفید	وجود: چهره‌هایی (برگشت ضمیر در لسعینها به وجود، به معنی انسان‌هایی است)	۹، ۸		استخدام	۸
مفید	عین (معنای دور: چشمه)، (نزدیک: چشم)	۱۲		ایهام (توریه)	۹
غیرمفید	تقسیم بین وجود	۲ الی ۸		تقسیم	۱۰
مفید	مقابله در تصویرسازی افراد جهنمی و بهشتی	بین ۲ الی ۷ و ۸ الی ۱۶		مقابله	۱۱
مفید	سرر، اکواب، تمارق، زرایع	۱۳ الی ۱۶		مراعات نظیر	۱۲
مفید	مرفوعة، موضوعة، مصفوفة، مبنوثة	۱۳ الی ۱۶		مراعات نظیر	۱۳
مفید	مرفوعة و موضوعة	۱۳، ۱۴	ایجاب	طباق	۱۴
غیرمفید	وصف‌ها از نظر عقل و عادت ممکنند.	۱۳ الی ۱۶		مبالغه	۱۵
غیرمفید	سؤال‌ها اغراض بلاغی دارند.	۱۷ الی ۲۰	برای تعجب	تجاهل العارف	۱۶
غیرمفید	سؤال‌هایی که از پاسخ آنها صرف‌نظر می‌شود و بحث تغییر می‌کند.	۱۷ الی ۲۰		اسلوب حکیم	۱۷
مفید	أسماء، الجبال، الأرض	۱۸، ۱۹، ۲۰		مراعات نظیر	۱۸
مفید	رفعت و نصبت	۱۸، ۱۹	ایجاب	طباق	۱۹
مفید	کلمات آیات در مقابل یکدیگرند.	۱۸، ۱۹، ۲۰		مقابله	۲۰
غیرمفید	أسماء، الجبال، الأرض	۱۸، ۱۹، ۲۰		اتلاف اللفظ مع المعنی	۲۱
غیرمفید	لست علیهم بمضطر، إلا من تولى و كفر	۲۲، ۲۳		تأکید الذم بمایثبه المدح	۲۲
غیرمفید	من تولى، إلینا إیابهم، كفر. علینا حسابهم	۲۳ الی ۲۶	مرتب	لف و نشر	۲۳
مفید	روی سخن از مخاطب به غایب تغییر کرده‌است.	۲۱، ۲۴		التفات	۲۴
غیرمفید	بعضی از آیاتی که شامل چند صنعت بدیعی‌اند			ابداع	۲۵
غیرمفید	صفات پسندیده از عامه مردم جدا شده و مؤمنان با آنها وصف شده‌اند.	۱۱		سلب و ایجاب	۲۶

چنان‌که در جدول‌های بالا مشاهده می‌شود در سوره غاشیة، از بین محسنات لفظی:

الف) صنعت سجع با ۱۵ بار تکرار، بیشترین نوع هنر سازه را به خود اختصاص داده‌است.

ب) از میان ۲۹ مورد هنر سازه‌های بدیعی مربوط به محسنات لفظی ۲۸ مورد مفید و تنها ۱

مورد غیر مفید است.

و از بین محسنات معنوی:

الف) صنعت مراعات نظیر با ۵ مورد، بیشترین نوع هنر سازه از جهت کثرت در کاربرد است.
ب) از میان ۲۶ مورد هنر سازه‌های بدیعی مربوط به محسنات معنوی، ۱۳ مورد مفید و ۱۳ مورد غیر مفید است.

۲-۱-۴. سوره «بروج»

محسنات لفظی «سوره بروج»

عدد	هنر سازه	نوع هنر سازه	آیات	کلمات دارای هنر سازه و توضیح آنها	مفید و غیر مفید
۱	سجع	متوازی	۴، ۳، ۲	موعود، مشهود، أخلود	مفید
۲	سجع	مطرّف	۵، ۴	أخلود و وقود	مفید
۳	جناس	اشتقاق	۳	شاهد و مشهود	مفید
۴	ردالعجز علی الصدر		۳	شاهد و مشهود (آیه با این دو کلمه شروع می‌شود و به پایان می‌رسد.)	مفید
۵	جناس	اشتقاق	۹، ۷، ۳	شاهد، مشهود، شهود، شهید	مفید
۶	جناس	مردوف	۷، ۳	مشهود و شهود (زیادت در آغاز کلمه است)	مفید
۷	سجع	متوازی	۷، ۶، ۵	وقود، قعود، شهود	مفید
۸	لزوم مالایزم		۶ الی ۲	موعود، مشهود، أخلود، وقود، قعود، شهود	مفید
۹	سجع	متوازن	۸، ۷	شهود و حمید	مفید
۱۰	سجع	متوازی	۹، ۸	حمید و شهید	مفید
۱۱	سجع	متوازن	۸	العزیز و الحمید	مفید
۱۲	جناس	مضارع	۹، ۷	شهید و شهود	مفید
۱۳	تکرار		۹ الی ۲	تکرار هجای «ود» و «ید» در فواصل آیات	مفید
۱۴	تکرار		۱۱، ۱۰	تکرار صامت «م» در فواصل آیات	مفید
۱۵	سجع	متوازن	۱۰	المؤمنین و المؤمنات	مفید
۱۶	سجع	متوازن	۹ الی ۱۲	شهید، حریق، کبیر، شدید	مفید
۱۷	سجع	متوازی	۱۸ الی ۱۲	شدید، یعید، ودود، مجید، یرید، جنود، ثمود	مفید
۱۸	تکرار		۱۸ الی ۱۲	تکرار هجای «ود» و «ید» در فواصل آیات	مفید
۱۹	سجع	متوازن	۱۴	الغفور و الودود	مفید
۲۰	سجع	متوازن	۲۱، ۲۰	محیط و مجید	مفید
۲۱	الإنسجام والسهوله			سلامت لفظ و سهولت معناست که در بیشتر آیات به چشم می‌خورد	غیر مفید

محسنات معنوی «سوره بروج»

نقش هنر‌سازهای بدیعی در تعجب‌برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکی ... حسین ابویسانی، الیاس مخمی

عدد	هنر‌سازه	نوع هنر‌سازه	آیات	کلمات دارای هنر‌سازه و توضیح آنها	مفید و غیر مفید
۱	مراعات نظیر		۱	السماء و البروج	مفید
۲	مراعات نظیر		۳، ۲	یوم، الموعود، شاهد، مشهود	مفید
۳	طباق	ایجاب	۳	شاهد، مشهود	مفید
۴	ایهام (توریه)		۳	مشهود (معنای دور: اعمال انسان)، (نزدیک: انسان)	مفید
۵	تلمیح		۴	اشارتی به بخش دانسته‌های تاریخی	مفید
۶	مبالغه	اغراق	۶	ممکن عقلاً نه عادۀ	غیر مفید
۷	مذهب کلامی		۹	مالک آسمان و زمین بودن دلیلی بر شاهد بودن خدا بر تمام اشیاء است.	غیر مفید
۸	اتلاف اللفظ با معنی		۱۱، ۱۰	آیه ۱۰: فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق (الفاظ سخت در ذم فتنه‌انگیزان). آیه ۱۱: لهم جنات تجری من تحتها الأنهار، ذلک الفوز الکبیر (الفاظ نرم در مدح نیکوکاران).	غیر مفید
۹	مراعات نظیر		۱۰	عذاب، جهنم، حریق	مفید
۱۰	ایهام		۱۰	فتنوا (دور: شکنجه دادن)، (نزدیک: فتنه‌گری کردن)	مفید
۱۱	مقابله		۱۱، ۱۰	تناسب و تقابل معانی دو آیه با یکدیگر	مفید
۱۲	طباق	ایجاب	۱۱، ۱۰	فتنوا = عملوا الصالحات و جهنم = جنات	مفید
۱۳	مراعات نظیر		۱۱	آمنوا، عملوا الصالحات، جنات، فوز الکبیر، تحتها الأنهار	مفید
۱۴	التفات		۱۳، ۱۲	روی سخن از مخاطب به غایب تغییر کرده‌است.	مفید
۱۵	تشابه الاطراف	معنوی	۱۱، ۱۰	فتنوا و عذاب الحریق - آمنوا و فوز الکبیر	غیر مفید
۱۶	اتلاف اللفظ مع المعنی		۱۲	بطش، رنک، شدید	غیر مفید
۱۷	طباق	ایجاب	۱۳	یبدئ و یعید	مفید
۱۸	ارصاد (تسهیم)		۱۳	دلالت اول آیه بر آخر آن	غیر مفید
۱۹	اتلاف اللفظ مع المعنی		۱۴	الغفور و الودود	غیر مفید
۲۰	تجاهل العارف	تویخ	۱۷	هل أتاک حدیث الجنود	غیر مفید
۲۱	تجرید		۱۸	تجرید فرعون و ثمود از (جنود) یا از (الذین کفروا)	غیر مفید
۲۲	تلمیح		۱۸	فرعون و ثمود: اشاراتی به بخش دانسته‌های تاریخی	مفید
۲۳	جمع		۱۹، ۱۸	فرعون و ثمود: الذین کفروا فی تکذیب	غیر مفید
۲۴	مراعات نظیر		۱۹، ۱۸	فرعون، ثمود، کفروا فی تکذیب	مفید
۲۵	استطراد		۱۶ الی ۲۰	اول حالت مدح عظمت خداست سپس هجو کافران و دوباره مدح عظمت خدا.	غیر مفید
۲۶	ایهام		۲۰	وراء (دور: از همه جهت‌ها)، (نزدیک: پشت آنان)	مفید
۲۷	التفات		۱۹، ۱۷	روی سخن از مخاطب به غایب تغییر کرده‌است.	مفید
۲۸	ابداع			آن دسته از آیه‌ای که در آنها چند صنعت بدیع با هم به کار رفته باشد.	غیر مفید

در سوره بروج، از بین محسنات لفظی:

الف) صنعت سجع با ۱۱ مورد، بیشترین نوع هنرسازه را به خود اختصاص داده است.

ب) از میان ۲۱ مورد از محسنات لفظی، ۲۰ مورد جزء هنرسازه‌های مفید و تنها ۱ مورد غیرمفید است.

از بین محسنات معنوی:

الف) صنعت مراعات نظیر با ۵ بار، بیشترین کاربرد هنرسازه را دارد.

ب) از میان ۲۸ مورد صنایع مربوط به محسنات معنوی، ۱۶ مورد جزء هنرسازه‌های مفید و ۱۲ مورد غیرمفید است.

با توجه به جدول‌های بالا، با جمع تعداد صنایع معنوی و صنایع لفظی در دو سوره، متوجه می‌شویم که تعداد هنرسازه‌های معنوی (با ۵۴ مورد)، بیشتر از هنرسازه‌های لفظی (با ۵۰ مورد) است؛ اما شایان‌ذکر در این میان، هنرسازه‌های مفید است که (با ۷۷ مورد)، بیشتر از هنرسازه‌های غیرمفید (با ۲۷ مورد) به کار رفته است.

بنابراین با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، فرضیه شماره یک بحث مبنی بر اینکه بیشترین هنرسازه‌های به‌کاررفته در این دو سوره مربوط به محسنات معنوی است، تأیید می‌شود، ولی فرضیه شماره دو پذیرفته نمی‌شود، چراکه از بین تعداد هنرسازه‌های به‌کاررفته در این دو سوره، بیشترین موارد مربوط به هنرسازه‌های مفید است. به همین علت می‌توان گفت: یکی از عوامل زیبایی‌متون قرآنی به دلیل کثرت هنرسازه‌های مفید نسبت به هنرسازه‌های غیرمفید است؛ چراکه از ویژگی‌های هنرسازه‌های مفید (صنایع زنده و زاینده بدیع)، چنان‌که قبلاً هم به آن اشاره شد، نخست ایجاد موسیقی و هماهنگی‌های صوتی، و دوم لذت ذهن از تداعی‌ها است و منظور از هنرسازه‌های غیرمفید این است که یک هنرسازه تنها دو شرط یادشده را نداشته باشد ولی درعین حال می‌تواند کارکردهای دیگری همچون تأکید، تصویرآفرینی، اجمال و تفصیل و... داشته باشد و گویای اعجاز هنری قرآن باشد. اما اینکه هنرسازه‌های مفید چگونه باعث تعجب‌برانگیزی مخاطب به هنگام خواندن یا شنیدن می‌شود، در ادامه بررسی خواهد شد.

۵. نقد صورت‌گرایانه سوره‌های مکی «بروج» و «غاشیه»

در آنچه بیان شد شاهد انواع هنرسازه‌ها اعم از مفید و غیرمفید بودیم که در نتیجه آن، اثبات شد در این دو سوره، از بین هنرسازه‌های بدیعی، آنهایی بیشترین کاربرد را داشتند که مفید

بودند. نیز بر طبق دیدگاه دکتر شفیع کدکنی در کتاب *رستاخیز کلمات*، هنر سازه‌هایی مفید هستند که به علت افزایش موسیقی کلام و ایجاد تداعی در ذهن، باعث زیبایی متون ادبی می‌شوند. در این بخش با توجه به تعاریفی که از نقد فرمالیستی و مقولات آن خواهیم داشت، به بررسی این نوع از هنر سازه‌ها (مفید) خواهیم پرداخت تا عامل تعجب‌برانگیزی متون ادبی و آیات قرآنی مشخص گردد.

پیش‌تر لازم است دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این حوزه را مرور و بررسی کنیم. دکتر شفیع کدکنی در کتاب‌های *موسیقی شعر* و *رستاخیز کلمات* نظریاتی در این زمینه مطرح کرده‌اند و در آثار دیگران نیز گاه آرای مشترکی را می‌توان یافت که ارتباط نزدیکی به این بحث دارد. برای نمونه زاهد ویسی در مقدمه کتابی که از آثار سید قطب (التصویر الفنی فی القرآن) ترجمه کرده‌است، یکی از ویژگی‌های مهم تصویر در قرآن را چندبعدی بودن آن معرفی می‌کند؛ به طوری که می‌توان به وضوح تمام، ابعاد و زوایای آنها را بدون هیچ رنگ و نگار، و حتی بدون هیچ‌یک از ابزار مطرح در حوزه متعارف هنر، حس و لمس نمود. این ابزار مواردی است که در پی می‌آید:

الف) الفاظ و دلالت‌های لغوی؛

ب) دلالت معنوی ناشی از اجتماع الفاظ و ترتیب‌یافتگی آنها در سیاقی معین؛

پ) نواخت موسیقایی ناشی از مجموعه نواخت‌های الفاظ هم‌ساز با یکدیگر؛

ت) صورت‌ها و سایه‌هایی که الفاظ هم‌آهنگ در عبارت می‌تابانند؛

ث) روش پرداختن به موضوع و سیر در آن یا سبک (سید قطب، ۱۳۸۹: ۱۸).

آنچه مترجم کتاب یادشده در این پنج مورد بیان داشته، در واقع بیانگر اهمیت الفاظ در ایجاد موسیقی و نظم و ترتیب آنهاست. از جمله نقاط مشترک آن با دیدگاه دکتر شفیع کدکنی می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

الف) صورت الفاظ، اجتماع آنها با یکدیگر و دلالت‌های معنوی آنها؛

ب) هم‌آهنگی و نواخت موسیقایی برآمده از مجموعه نواخت‌های الفاظ هم‌ساز.

سید قطب در مبحث «سحر القرآن» در کتاب *التصویر الفنی فی القرآن* می‌گوید: «قرآن از همان لحظه اول، عرب‌ها را افسون کرد؛ چه آنان که خداوند، دلشان را به روی اسلام گشود و چه آنان که بر چشمانشان پرده کشید. اگر از چند نفر انگشت‌شماری بگذریم که از همان ابتدا

شخصیت محمد (ص)، به‌تنهایی انگیزه ایمان آوردن آنها شد، می‌بینیم که قرآن عامل اصلی یا یکی از عوامل قطعی ایمان آوردن کسانی بود که در نخستین روزهای دعوت ایمان آوردند؛ روزهایی که نه محمد تاب و توانی داشت، و نه اسلام از قدرت و نیرویی برخوردار بود؛ افسونی که مؤمن و کافر در اقرار به آن یکسانند» (سید قطب، ۲۰۰۲م: ۱۱). حال با توجه به این مقدمات، به نقد و بررسی نقش هنر‌سازهای بدیعی، از دیدگاه فرمالیسم روسی، در تعجب‌برانگیزی مخاطب و یا به قولی افسون مخاطب، در سوره‌های بروج و غاشیه می‌پردازیم تا عوامل چنین تأثیری را از جانب قرآن شاهد باشیم.

۱-۵. نقد و تحلیل آیات بر اساس مقوله‌های فرمالیسم روسی

برای بررسی یک اثر ادبی از دیدگاه نقد فرمالیستی، حوزه‌های مختلفی را می‌توان برشمرد. در این پژوهش دو سوره غاشیه و بروج بر اساس چهار حوزه «فرم، ادبیت، جادوی مجاورت و ساختار ساختارها» نقد و تحلیل می‌شوند و همچنین آن دسته از هنر‌سازهای بدیعی که باعث زیبایی، افسونگری و تأثیر این سوره‌ها بر مخاطب شده، واکاوی و تحلیل می‌شوند.

۱-۱-۵. ادبیت

یکی از مسائل بنیادی در فرمالیسم روسی مسئله «ادبیت»^(۶) است؛ همان عاملی که «ماده» ادبی را تبدیل به یک «اثر ادبی» می‌کند (کدکنی، ۱۳۹۱: ۵۹). یا به عبارت دیگر، وقتی دو متن ادبی و غیرادبی را که هر دو یک موضوع را بیان می‌کنند با هم می‌سنجیم در زبان آن دو فرقهایی می‌بینیم که همان ادبیت است (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۸۱). علوی مقدم در تعریف ادبیت می‌گوید: ادبیت متن همان «ادبی بودن» متن است؛ کارکردهای زبانی ویژه‌ای که در متن‌های ادبی وجود دارد و نیز ساختار آوایی، نحوی و معنایی همان است که برای فرمالیست‌ها اهمیت دارد (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۳۸). به گفته تونی بنت^(۷): «ادبیت در متن وجود ندارد، بلکه در روابط بینامتنی^۱ متون مستقر است» (فاسمی‌پور، ۱۳۹۱: ۵). ذکر این نکته لازم است که وجود کارکردهای ادبی در متن (از قول علوی مقدم)، همان ادبیتی است که (تونی بنت) آن را در روابط بینامتنی متون مستقر می‌داند و منظور هر دو همان ساختارهای نحوی و هنر‌سازهایی است که در متن وجود دارند.

با توجه به تعاریفی که از مقوله فرمالیستی ارائه شد، ادبیت همان عاملی است که ماده ادبی را به اثر ادبی تبدیل می‌کند؛ بنابراین اگر بخواهیم از جنبه هنر سازه‌های مفید بدیعی به دو سوره غاشیه و بروج نظری بیفکنیم، خواهیم دید در بیشتر این آیات، هنر سازه‌های مفید به کار رفته است؛ یعنی صنایعی که سبب افزایش موسیقی متن قرآن در فواصل (پایان آیه‌ها) شده است. از جمله این صنایع (هنر سازه‌ها)، سجع است که با ۱۵ مورد در سوره غاشیه و ۱۱ مورد در سوره بروج مشاهده می‌شود و بیشترین نوع هنر سازه‌های بدیعی را به خود اختصاص می‌دهد. برای مثال در سوره غاشیه، بین فواصل آیه‌های ۱۷ تا ۲۰، چهار کلمه «خُلقت، رُفعت، نُصبت و سُطحت» را می‌بینیم که با هماهنگی کلمات در کنار یکدیگر، موسیقی دل‌نشینی را ایجاد کرده است. این صنعت در سوره بروج بین آیه‌های ۱۲ تا ۱۸، و در کلمه‌های «شدید، یعید، ودود، مجید، یرید، جنود و نمود» به وضوح دیده می‌شود. وجود چنین صنعتی، به صورت متوالی و کنار هم، به آیات، هماهنگی و انسجامی بخشیده است که این انسجام در صورت تنها بودن این کلمات، شکل نمی‌گرفت. بنابراین وجود چنین هنر سازه‌ای در آیات باعث گردیده تا نص قرآنی از یک متن غیرادبی خارج شود و ادبی تلقی گردد. این در واقع همان وجوه ادبیت نص قرآن است که باعث شده است تا خواننده یا شنونده، به آن جذب شود.

۲-۱-۵. فرم

صورت (فرم) در دیدگاه نظریه پردازان ادبی، مفهومی پرمعنا و پیچیده است. علت آن است که شیوه بیان که در مجموع به اثر ادبی، ساختار و شکل می‌بخشد و در فرم تجلی می‌یابد عاملی در ماندگاری اثر بوده و هست و اگر به دلیل هماهنگی و انسجام آرایه‌های زیباشناختی با ساخت و معنا، بافتی شکل گیرد، فرم یا صورت، عینیت پیدا می‌کند و معنا در آن نظام می‌یابد (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۴۳). محتوا نیز همان چیزی است که از طریق صورت به وجود می‌آید و هنگامی که صورت از ویژگی خلاق برخوردار شد، محتوا زاده می‌شود (کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۳).

با مروری بر ویژگی‌های سوره‌های مکی، متوجه کوتاهی این سوره‌ها و آیه‌های آنها می‌شویم. سوره‌های مکی به علت دارا بودن چنین ویژگی‌هایی، شرایط مناسبی برای به‌کاربردن صنایع بدیعی دارند؛ صنایعی که وجهه موسیقایی آنها بیشتر نمود دارد. با نگاهی کلی و گذرا به دو سوره مورد بحث، متوجه وجود حروف هماهنگی می‌شویم که در کلمات به‌وفور یافت

می‌شود. برای مثال با نگاه به آیات ۲۵ و ۲۶ سوره غاشیه، با دو کلمه ایابهم و حسابهم مواجه خواهیم شد که از ۶ حرف، ۴ حرف مشترک دارند؛ یا در سوره بروج، فواصل آیات ۲ تا ۶، به کلماتی ختم می‌شود که حروف پایانی‌شان «ود» است. تکرار این حروف در پایان آیات سوره‌های مکی منجر به افزایش ریتم موسیقایی آنها شده‌است که در نهایت به این دسته از سوره‌ها فرم و صورتی هماهنگ بخشیده و نتیجه آن، دلنشین شدن آیات و احساس آرامشی است که به شنونده دست می‌دهد. چنین ساختاری که به کمک صنعت «لزوم مالایلم» شکل گرفته، همان فرمی است که در نتیجه انسجام و هماهنگی عناصر تشکیل‌دهنده، ساختار ادبی را در متون قرآنی به وجود آورده‌است؛ ساختاری که آن را از متون ساده متمایز می‌کند و باعث ایجاد شعف در شنونده قرآنی می‌شود. پس می‌توان گفت، تباین میان خوبی و بدی کلام، تنها به دلیل لفظ نیست، چراکه الفاظ مادام که با ترکیب و نظم خاصی منظم نشوند، افاده معنا نمی‌کنند (جرجانی، ۱۹۹۱: ۴).

شکلوفسکی شکل را نظام جامع مناسباتی می‌داند که میان عناصر ادبی وجود دارد. پس به مجموعه عناصری را که بافت ساختار ادبی را به وجود می‌آورند، شکل (فرم) می‌گویند. از همین رو وزن، قافیه، قالب، صامت، مصوت، هجا، صور خیال، صنایع بدیعی، و زاویه دید، همه جزء شکل یک اثر ادبی هستند، مشروط بر اینکه هر یک از اجزا در ساخت یا بافت آن اثر نقشی داشته باشند (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

۳-۱-۵. جادوی مجاورت

جادوی مجاورت یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در تأثیرات زبانی و شیوه‌های بلاغی است؛ همان چیزی که بعضی از انواع آن را در بلاغت با عنوان «جناس» یا معادل‌های آن، در زبان فرنگی شناخته‌اند و به رده‌بندی انواع آن پرداخته‌اند. تأثیر هنری جادوی مجاورت، در شاهکارهای ادبی و کتاب‌های مقدس جهان، و در صدر همه آنها قرآن کریم، امری است که هیچ‌کس از مطلعان در آن تردیدی ندارد. از ویژگی‌های جادوی مجاورت این است که سخن را، هر قدر بی‌معنی و خردستیزانه باشد، حرمتی و ابهتی می‌دهد که شنونده، بی‌اختیار تسلیم آن می‌شود (کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۱۸-۴۱۷). ابن قتیبه نیز در بیان زیبایی‌های صوتی قرآن گفته: «و آن را از تلاوت شدن پی‌درپی به وجود آورد، چه، بر طول تلاوت، دل‌تنگی نیست و آن، شنیداری است

که گوش‌ها از آن آزرده نشود، به همراه طراوتی که از زیادی تکرار، کهنه نخواهد شد» (زغلول، ۱۳۸۹: ۳۱۳).

با نگاهی به سوره‌های بروج و غاشیه نیز می‌توان به این نتیجه دست یافت که درصد برخورداری سوره‌های مکی از این ویژگی بارز و مؤثر بسیار زیاد است. به عنوان نمونه به آیاتی که از این دو سوره در پی می‌آید دقت کنید:

۱. ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ غاشیه/۲۱، که شامل هنر سازه‌ی التفات است.

۲. ﴿فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ غاشیه/۲۴، که شامل هنر سازه‌ی التفات است.

۳. ﴿و شاهد و مشهود﴾ بروج/۳، که شامل هنر سازه‌ی ایهام است.

۴. کلمات «شدید، یعبد، ودود، مجید، یرید، جنود، ثمود» در فواصل آیات ۱۲ تا ۱۸ سوره بروج، واژگان مسجعی را تشکیل داده‌اند که علاوه بر آن، همین آیات از سوره بروج شامل هنر سازه‌های بدیعی مفیدی از محسنات معنوی همچون: «طباق» در آیه ۱۳، «تلمیح» در آیه ۱۸، «مراعات نظیر» در آیات ۱۱ و ۱۸، و «صنعت التفات» در آیات ۱۲، ۱۳، و ۱۷ تا ۱۹ است.

در بررسی محسنات لفظی آیات یادشده می‌توان به وجود صنعت جناس و سجع اشاره کرد. از وجود چنین هنر سازه‌هایی، حروف مشترک موجود در آیات و هم‌وزنی و هم‌آهنگی آنان را یادآور می‌شویم؛ این حروف با قرار گرفتن در کنار یکدیگر، انسجامی را به آیات بخشیده‌اند که هر شنونده‌ای مسحور زیبایی آن می‌گردد. «از همین جادوی مجاورت در زبان عربی داریم که «سجع» یا یک «جناس»، گوینده‌ای را به گفتن سخنی، خواه سنجیده و خواه نسنجیده، واداشته و او تحت تأثیر جادوی مجاورت، آن گفته را بر زبان رانده و آن گفته اندک‌اندک تبدیل به مثلی یا حکمتی شده‌است و جادوی مجاورت چندان نیرومند بوده‌است که نسل‌اندرا نسل، آن مثل یا حکمت را پذیرفته‌اند و به عنوان یکی از حقایق عالم تلقی کرده‌اند و بر اساس آن منظومه فکری و فرهنگی خود را در طول تاریخ شکل داده‌اند» (کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۱۰).

حال اگر به آیات مورد بحث بنگریم، متوجه حروف مشترکی چون حروف «ز»، «ک» و «ر» در مثال اول، و حروف سخت و استوار «ع»، «ذ» و «ب» در مثال دوم، و حروف «ش»، «ه» و «د» در شاهد مثال سوم، و کلمات هم‌وزن با حروف مشترک «د» در تمامی آنان و «ی» و «و» در بیشتر موارد در مثال چهارم خواهیم شد. بنابراین:

۱. الفاظ یادشده با داشتن عوامل صوتی مشترک، نیرومندی خاصی دارند که این ویژگی در غیر از متون ادبی وجود ندارد.

۲. از آنجایی که آیات مورد بحث علاوه بر این هنر سازه‌های لفظی مفید، شامل هنر سازه‌های معنوی مفید نیز هست، قدرت تداعی را برای شنونده و خواننده قرآن ایجاد می‌کند؛ در نتیجه باعث لذت ذهن از تداعی‌ها می‌شود. از جمله این هنر سازه‌هاست:

صنعت التفات در دو مثال اول از سوره غاشیه؛ صنعت ایهام در مثال سوم از سوره بروج؛ صنایع طباق در آیه ۱۳؛ تلمیح در آیه ۱۸؛ مراعات نظیر در آیه‌های ۱۱ و ۱۸؛ و صنعت التفات در آیه‌های ۱۲ و ۱۳، و ۱۷ تا ۱۹.

وجود چنین هنر سازه‌هایی در آیاتی کوتاه و نیز کثرت این هنر سازه‌ها در کنار هنر سازه‌هایی مفید مانند جناس و سجع (از عوامل شکل‌گیری جادوی مجاورت)، باعث شده‌است تا خواننده و شنونده قرآن کریم، شگفت‌زده زیبایی‌های آن گردد. چیزی که تا قبل از نزول قرآن کمتر به چشم می‌خورد. برای مثال اگر نگاهی به نثر عرب جاهلی افکنده شود مشخص خواهد شد که نثر آنها به کلی از صنایع و آراستگی‌ها و مبالغات به دور است؛ اگرچه گاه سجع و موازنه‌ای در آن دیده می‌شود، از حیث لفظ و ترکیب، محکم و متین است، به ایجاز گرایش دارد، و اندکی آهنگین است، اما در عین حال، مرکب است از جملات و عباراتی پراکنده که غالباً از جهت فکری با هم ارتباطی ندارند (الفاخوری، ۱۳۸۷: ۲۰۱ و الزیات، بی تا: ۱۹).

۴-۱-۵. ساختار ساختارها

زبان‌شناسی ساختارگرا بر این نظریه بنا نهاده شده‌است که هر زبان را باید به مثابه نظام یا سازگانی در نظر گرفت که خود از عناصری تشکیل شده که با یکدیگر روابط دوجانبه دارند... واحدها و اجزای زبان را باید در نسبت با یکدیگر تعریف کرد و نه به طور مطلق و مستقل (روبینز، ۱۳۷۰: ۴۱۹).

نخستین تحولات عمده در مطالعات ساختارگرایانه، بر پایه پیشرفت‌های حاصل از مطالعه واج‌ها، یعنی عناصر پایین‌ترین سطح نظام زبان، صورت گرفت (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۳۷). بنابراین هر واژه به اعتبار صامت‌ها و مصوت‌ها و آرایش واج‌هایش یک ساختار است در خدمت تمام بیت که یک ساختار گسترده‌تر است، و تمام بیت یک ساختار است در خدمت

ساختار بزرگ‌تری که واحدِ غزل یا قصیده یا منظومه را تشکیل می‌دهد، و تمام آثار یک شاعر ساختاری است که سبک او را به وجود می‌آورد، و سبک شخصی او در درون ساختار بزرگ‌تری که سبک دوره اوست، واحدی است که ساختار بزرگ‌تر سبک دوره را تشکیل می‌دهد، و سبک‌های گوناگون ادوار مختلف شعر یک زبان، اجزای ساخت بزرگ‌تری هستند و... آنچه از این یادداشت‌ها مقصود بود، تأکید بر تأثیرات متقابل این ساختارها دارد؛ یعنی هر ساختاری در ساختار بزرگ‌تر از خود اثر دارد و مجموعه ساختارها نیز مانند امواج آب بر یکدیگر اثر دارند (کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۵۶-۲۵۵). بدین ترتیب، ساختگرایی یک شیوه و روش است و سخن آن این است که هر جزء یا پدیده در ارتباط با یک کل بررسی شود (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۹۴-۱۹۳) و شاید بتوان گفت از «ساختار ساختارها» است که به «دیگر ساختارها» باید نظر کرد نه از «ساختار کوچک» به «ساختار ساختارها» (کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۵۸).

لذا اگر ساختار کلان یا همان ساختار ساختارها در جایگاه بلندی ایستاده باشد، محال است که ساختارهای دیگری در انحطاط باشد. با این وصف برای تحلیل و نقد سوره‌های مکی از دیدگاه ساختاری، به آیه‌ای از سوره بروج، به عنوان نمونه‌ای از سوره‌های مکی استشهد می‌کنیم. با نگاهی به آیه ۱۱ از این سوره: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ﴾، درمی‌یابیم که هر یک از کلمات این آیه از صامت‌ها و مصوت‌هایی تشکیل شده که از کنار هم قرار گرفتن آنها، آیه شکل گرفته و از ترکیب و توالی آیه‌ها، سوره‌ها به وجود آمده، و از مجموع سوره‌ها نیز، قرآن کریم شکل گرفته، و در نهایت، قرآن کریم نیز در خدمت «سبک» آن دوره، با مخاطبان خود سخن گفته‌است.

بنابراین می‌توان بهره‌گیری فراوان و دقیق از هنر سازه‌های بدیعی به هنگام نزول قرآن در اوایل اسلام را، سبک آن دوره تلقی کرد به طوری که در شیوه‌ای کاملاً نوین و نثرگونه نمود پیدا کرده‌است. سبک قرآن برخلاف آنچه در ذیل عنوان «جادوی مجاورت» بیان شد، مملو از صنایع بدیعی است، حال آنکه تا قبل از نزول قرآن چنین نبود و صنایع ادبی بیشتر در قالب شعر به کار می‌رفت.

این نوع سبک در دوره اسلامی را می‌توان ساختار کلان یا ساختار ساختارها تلقی نمود؛ ساختاری که تک تک کلمات آن متشکل از واژه‌هایی با بار معنایی توحید، معاد، ایمان، عمل صالح، بهشت و دوزخ است؛ به بیان دیگر، الفاظی که در اوج معانی، بیان و بدیع بودند، با در

کنار هم قرار گرفتن و انسجام و یکپارچگی، ساختارهایی بزرگ‌تر از خود را تشکیل دادند که در رأس آنها ساختار ساختارها شکل گرفت.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به شناخت نسبت به مکتب نقدی فرمالیستی، عوامل تعجب‌برانگیزی در سوره‌های مکی «بروج» و «غاشیه» را می‌توان بدین شکل تبیین کرد:

۱. سوره‌های مکی به علت برخوردار بودن از ویژگی کوتاهی آیات و هماهنگی حروف پایانی فواصل، از موسیقی زیبا و دل‌نشینی بهره‌مند شده‌اند، و این شیوایی و دل‌نوازی آیات، حاصل انسجامی است که هنر سازه‌های بدیعی در نتیجه ارتباط متقابل و هماهنگی با یکدیگر داشته‌اند.

۲. در این نوع از سوره‌ها، پویایی واژگان به وسیله ابزار و موادی چون هنر سازه‌های مفید شکل گرفته‌است که در نتیجه کارکرد متقابل آنها، کلام از عذوبت لفظ و سهولت ترکیب و حُسن سبک برخوردار شده‌است، به طوری که خالی از هر گونه تعقید و تکلف است، و در واقع، کلام از نظم و انسجامی برخوردار شده که عبدالقاهر جرجانی آن (انسجام) را حدود قرن چهارم و پنجم در قالب «نظریه نظم» و در دو کتاب *أسرار البلاغة* و *دلایل الإعجاز* ارائه کرده و عامل زیبایی یک اثر هنری بر شمرده است. این در حالی است که فرمالیست‌های روس به جای این عنوان (نظم و انسجام)، از عناوینی چون «فرم، ادبیت، جادوی مجاورت و ساختار ساختارها» بهره برده‌اند و عامل زیبایی متن ادبی را در این موارد دانسته‌اند؛ زیبایی‌ای که می‌توان آن را در سوره‌های مکی، حاصل برخورد هنر سازه‌های بدیعی (از نوع مفید) دانست؛ هنر سازه‌هایی که یک اثر را از حالت مألوف و آشنا و غیرفعال بیرون آورده و در نهایت، عامل تعجب‌برانگیزی مخاطب شده‌است.

بنابراین اگر بخواهیم به زبان فرمالیست‌های روس، تحولاتی را که در نتیجه تقابل کارکرد عامل‌ها (هنر سازه‌ها) به وجود می‌آید توضیح دهیم، می‌توانیم هر مرحله از تغییر را که توسط هنر سازه‌های مفید رخ می‌دهد، به فعال‌تر شدن یک هنر سازه تعبیر کنیم، که نتیجه این تغییر همان نقطه تعجب‌برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکی، توسط هنر سازه‌های مفید است و این اثبات ادعایی درباره هنر سازه‌های بدیعی است که دکتر شفیع کدکنی معتقد است: بی‌هیچ گمان، از میان انبوه صنایع بدیعی، که در کتب متأخرین تا حدود ۲۲۰ نوع شمرده شده، فقط

نقش هنر سازه‌های بدیعی در تعجب‌برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکی ... حسین ابویسانی، الیاس منخمی

عده معدودی زنده و پویاست، به‌علاوه، اصولاً هر نوع زیبایی در سخن از دو سرچشمه جاری است؛ یکی آنچه مربوط به موسیقی کلمات است و دیگر آنچه مربوط به تداعی است. تمامی این ویژگی‌ها، دقیقاً همان چیزی است که در طول پژوهش بدان پرداخته شد.

پی نوشت

۱. به آن جناس، تجانس و مجانسه هم گفته می‌شود و این جناس نیکو شمرده نمی‌شود مگر زمانی که معنا به کمک لفظ بیاید و آنچه ساخته شده با طبع برابری کند (الهاشمی، ۱۹۹۹م: ۳۲۵). سید علی میر لوحی در فایده جناس چنین گفته است: «جناس سامع را متوجه کلام می‌کند، زیرا تناسب الفاظ موجب توجه به سخن، و گوش دادن می‌شود، و وقتی لفظی در معنایی به کار رود، سپس در معنایی دیگر استعمال شود، نفس آدمی به آن مشتاق‌تر می‌گردد (ابن ابی‌الاصبع، بی‌تا: ۹۶).
۲. از فنون بدیع معنوی است که به آن توریه، توجیه و تخییر نیز گفته می‌شود (عتیق، لاتا: ۵۴۰).
۳. به آن تطبیق، طباق و تضاد نیز گفته می‌شود (همان: ۴۹۴).
۴. علمای بدیع آن را تناسب، ائتلاف، توفیق و مؤاخاة نیز نام‌گذاری کرده‌اند (همان: ۵۹۷).
۵. در فایده آن در کتاب بدیع القرآن ابن ابی‌الاصبع آمده است: به‌طور کلی وقتی گوینده، در سخن از اسلوبی به اسلوب دیگر منتقل می‌شود، سخن او بیشتر به دل‌ها می‌نشیند، و برای شور و حال شنونده بهتر است و انگیزه استماع او می‌گردد (ابن ابی‌الاصبع، بی‌تا: ۱۰۳).
۶. به انگلیسی literariness و به روسی literaturism.
۷. نویسنده کتاب فرمالیسم و مارکسیسم. این کتاب یکی از معدود منابعی است که هدف خود را برخورد با فرمالیسم، خارج از محدوده‌ای صرفاً ادبی معرفی می‌کند و قصد آن دارد که در چهارچوبی فراتر از روش‌های معمول، این مکتب را بررسی کند.

کتابنامه

الف) فارسی

۱. کتاب‌ها

- بنت، تونی (بی‌تا)، فرمالیسم و مارکسیسم، مترجم: سعید ساری اصلانی، بی‌جا.
- رویینز، آراچ (۱۳۷۰ه.ش)، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، مترجم: علی محمد حق‌شناس، تهران: مرکز.
- زغلول، سعد (۱۳۸۹ه.ش)، نقش قرآن در تکامل ادبی، مترجم: دکتر علی اوسط ابراهیمی، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- سلدن، رامان و ویدوسون پیتز (۱۳۷۷ه.ش)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، مترجم: عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- سید قطب (۱۳۸۸ه.ش)، تصویرسازی هنری در قرآن، مترجم: زاهد ویسی، چاپ اول، سندج: آراس.

نقش هنر سازه‌های بدیعی در تعجب‌برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکی ... حسین ابویسانی، الیاس مخمی

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱ ه.ش)، رستاخیز کلمات، چاپ دوم، تهران: سخن.

_____ (۱۳۷۶ ه.ش)، موسیقی شعر، چاپ پنجم، تهران: آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۸ ه.ش)، نقد ادبی، تهران: میترا.

علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷ ه.ش)، نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورت‌گرایی و ساختارگرایی)، چاپ اول، تهران: سمت.

قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۹۱ ه.ش)، صورت‌گرایی و ساختارگرایی در ادبیات، چاپ اول اهواز: دانشگاه شهید چمران.

المصری، ابن ابی‌الصیب (بی‌تا)، بدیع القرآن، مترجم: دکتر سید علی میرلوحی، آستان قدس رضوی، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

۲. مقالات

سپه‌وندی، مسعود (۱۳۹۱ ه.ش)، «تحلیل فرمالیستی غزلی از حافظ»، فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال چهارم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج، صص ۷۴-۵۵.

ناظمیان، هومن (۱۳۹۲ ه.ش)، «پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره مبارکه تکویر»، مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، تهران، صص ۹۷-۱۱۵.

ب) عربی

قرآن کریم

جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۹۱ م)، اسرار البلاغة، تعلیق: محمود محمد شاکر، لاط، القاهرة: مطبعة المدنی.

الزیتات، احمد حسن (لاتا)، تاریخ الأدب العربی، لاط، القاهرة: دار تحضة مصر.

سید قطب (۲۰۰۲ م)، التصوير الفنی فی القرآن، ط ۱، القاهرة: دار الشروق.

عتیق، عبد العزیز (لاتا)، فی البلاغة العربیة (علم المعانی . البیان . البدیع)، لاط، بیروت: دار النهضة العربیة.

الفاخوری، حنا (۱۳۸۷ ه.ش)، تاریخ الأدب العربی، چاپ پنجم، تهران: توس.

الهاشمی، أحمد (۱۹۹۹ م)، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع، ط ۱، بیروت: مكتبة العصرية.

دور الفنون البديعية في إثارة دهشة المخاطب في سور القرآن المكية على ضوء الشكلانية الروسية (سورتا «الغاشية» و «البروج» أنموذجين)

حسين أبويساني^١، إلياس مخمي^{٢*}

١. الأستاذ المشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الخوارزمي

٢. طالب ماجستير في اللغة العربية وآدابها بجامعة الخوارزمي

الملخص

إن "الفنون الأدبية" من الموضوعات الهامة التي تُعتمد بها في علم البلاغة، و الموضوعات التي تُعنى بها الشكلانية الروسية، و هي مجموعة من الفنون البلاغية (في العربية) التي يعادلها مصطلح "Artistic device" في الإنكليزية و "priem" في الروسية. كتبت هذه المقالة على أساس الشكلانية الروسية التي تعتقد أنّ الفن يُعتبر نوعاً من الأسلوب و التقنية؛ و قبل كل شيء أنّ التقنية فضلاً عن أنها هي الأسلوب، كذلك تضمّ الفن أيضاً، لذلك لا يهتمّ في الشكلانية "قول" الكاتب بل المهمّ فيها "كيفية القول" علاوة عن هذا ما يُعنى به الشكلانيون الروس هو الفنون الأدبية و ليس غيرها.

تحاول المقالة هذه، تفسير سورتي "البروج و الغاشية" على ضوء المدرسة الشكلانية الروسية و على ما يعتقد به شفيعي كذكي في تقسيم "الفنون البديعية" إلى "المفيدة" و "غير المفيدة" ليتبين تأثير هذه الأدوات على المخاطب بمساعدة عناصرها الأربعة. فأهمّ نتيجة حصلت عليها المقالة هي: أنّ الفنون البديعية المفيدة هي أكثر استعمالاً في السورتين المذكورتين، و أنّ هذه الفنون بخصوصياتهما المتميزة قد تجلّت في عناصر الشكلانية الأربعة و هي: "الأدبية، و الشكل، و سحر التجاور، و بنية البنات"، فهذه كلها أدت إلى إثارة المخاطب من القارئ و السامع للقرآن عامة و السور المكية خاصة.

الكلمات الرئيسية: الشكلانية الروسية؛ الفنون البديعية؛ السور المكية؛ البروج؛ الغاشية.